

## تغییر جنسیت از منظر قرآن کریم

حجت الاسلام دکتر محمد مهدی کریمی نیا<sup>۱</sup>

چکیده

می توان تغییر جنسیت را به تبدیل جنسیت یک فرد از مذکر به مؤنث، یا به عکس و از خنثی به مذکر یا مؤنث، و به عکس آن، معنا کرد. تغییر جنسیت در یک تعریف عام، شامل تغییر جنسیت در حیوانات و حتی گیاهان نیز می شود. پیشینه ی تغییر جنسیت با عمل جراحی مدرن و دانش پزشکی ارتباط نزدیک دارد و با رواج جراحی در اعضای مختلف بدن، دامنه ی آن به «جراحی در آلت تناسلی» نیز کشیده شد، ولی از آن جا که در نتیجه ی چنین عملی، فرد دارای جنسیت جدیدی می شد، از این رو، حساسیت هایی را به دنبال داشته است؛ چه این که مشهور فقهای معاصر شیعه به جواز تغییر جنسیت معتقد شده اند، در حالی که فقهای اهل سنت به حرمت این عمل معتقدند. کلیسای کاتولیک انگلستان نیز اعلام نمود که: تغییر جنسیت مرد به زن یا بر عکس حرام و گناه است و مهم ترین دلیل آنان این است که این عمل، موجب «تغییر در خلق خدا» است که این استدلال، شبیه استدلال عالمان اهل سنت است. با توجه به نوظهور بودن این بحث، از منظر فقهی دارای پیشینه ی چندانی نمی باشد، ولی مباحث نزدیک به آن، مانند احکام افراد دو جنسیتی، و احکام افرادی که خود را به شکل و لباس جنس مخالف در می آورند، در فقه اسلامی دارای پیشینه ی طولانی است. امام خمینی (ره) اولین فقیهی است که مباحث فقهی و حقوقی تغییر جنسیت را بیان نموده اند. به جرأت می توان گفت: قبل از ایشان، هیچ فقیه یا دانشمندی این مباحث را مطرح نکرده است. مسائل ده گانه ای که امام خمینی (ره) در کتاب تحریر الوسیله مطرح کرده اند، مهم ترین منبع فقهی برای تبیین جایگاه فقهی و حقوقی تغییر جنسیت در بعد از انقلاب اسلامی ایران بوده است؛ به طوری که تا این تاریخ بیش از هزار بیمار در ایران، مجوز تغییر جنسیت دریافت کرده اند.

تنها موردی که مورد اختلاف نظر جدی است، تغییر جنسیت در افراد خنثای روانی (ترانس سکشوال) است. مشهور فقهای شیعه به جواز آن معتقدند، در مقابل، تمام عالمان اهل سنت، اعم از فقیهان و حقوق دانان که در این باره اظهار نظر کرده اند، به حرمت تغییر جنسیت معتقدند. در این میان، عده ای از فقیهان شیعه نیز به حرمت تغییر جنسیت معتقد شده اند.

یکی از مهم ترین دلیل های حرمت تغییر جنسیت، حرام بودن تغییر در خلقت خداوندی است، که مستند این حکم از نظر همه ی مخالفین تغییر جنسیت از اهل سنت، و برخی از فقیهان شیعه آیه ی ۱۱۹ سوره ی نسا است: «وَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأْمَنِيَّهِمْ وَلَا مَرَّتْهُمْ فَلِئِبَتِكُنَّ آذَانَ الْإِنْعَامِ وَلَا مَرَّتْهُمْ فَلِئَعِيرُنَّ خَلَقَ اللَّهُ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا»؛

<sup>۱</sup> - عضو هیئت علمی دانشکده علوم قرآنی خمین: Kariminiya2003@yahoo.com

با مراجعه به کتب تفسیری اهل سنت معلوم می‌شود که اساساً این آیه‌ی شریفه، ناظر به بحث جدید تغییر جنسیت نیست؛ نهایت آن که برخی از مفسرین اهل سنت، خواجه کردن بردگان را یکی از مصادیق تغییر خلق الله دانسته‌اند.

برخی دیگر از فقیهان شیعه برای اثبات حرمت تغییر جنسیت به این آیه استناد کرده‌اند: «لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِمَانًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ. أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ»؛

از نظر وی، دختر بودن یا پسر بودن در اختیار خدا بوده و از سوی او قطعی شده است و بشر نمی‌تواند با اعمال خود، از جمله عمل جراحی، این پدیده واقعی را تغییر دهد. بر این اساس، دگرگونی‌هایی که در دو جنس «مذکر» و «مؤنث» از زمان انعقاد نطفه تا هنگام تولد رخ می‌دهد و ویژگی‌هایی که دارند و اسرار فراوانی که در مفهوم جنسیت نهفته است، همه از نشانه‌های خدا بوده و هیچ قدرتی نمی‌تواند آن را تغییر دهد و هر گاه به وسیله‌ی عمل جراحی، علائم جنس مخالف در وی پدید آید، در واقع تغییر جنسیت حاصل نشده و این کار حرام است و از نظر تکالیف شرعی، وی حکم قبل از تغییر اعضای ظاهری را دارد.

در پاسخ این استدلال به نظر می‌رسد: تغییر جنسیت امری ممکن است و در صورت وقوع و تبدل موضوع، احکام شرعی جنس مخالف بر او جاری خواهد شد. نیز، وظیفه‌ی فقیه این است که به این پرسش پاسخ دهد که: اگر بنا به فرض تغییر جنسیت حاصل شد، حکم آن را از نظر جواز یا عدم جواز و نیز شرایط آن در صورت جواز، و بالاخره آثار و پیامدهای آن را از نظر تکلیفی و وضعی بیان دارد. این که تغییر جنسیت واقع شده است یا نه، قضاوت آن به عهده‌ی عرف است. حتی اگر در تحقق عرفی تغییر جنسیت تردید وجود داشته باشد، باز می‌توان از نظر فقهی درباره‌ی آن به صورت فرضی (اگری) بحث و گفت و گو کرد. بنابراین، با استناد به این که تغییر جنسیت، امکان وقوعی ندارد و حقیقتاً مرد به زن یا بر عکس تبدیل نمی‌شود، نمی‌توان تغییر جنسیت را به طور مطلق، غیر مشروع دانست.

دلیل دیگری که بر اثبات حرمت تغییر جنسیت ممکن است مطرح شود، استناد به آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی نور است: «لِلْمُؤْمِنِينَ يُغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ؛ با این استدلال که: با توجه به این که انجام عمل جراحی تغییر جنسیت، ملازم با نظر به عورت نامحرم و گاه لمس آن است، از این رو، با توجه به آیه‌ی یاد شده لازم است برای پرهیز از ارتکاب این حرام مسلّم، از تغییر جنسیت پرهیز شود.

به نظر می‌رسد که: حتی اگر با استناد به آیه‌ی یاد شده یا ادله‌ی دیگر، حرمت تغییر جنسیت در شرایط عادی اثبات شود، بی‌تردید در حال اضطرار یا عسر و حرج، اگر راه حل درمانی دیگری وجود نداشته باشد، تغییر جنسیت مجاز خواهد بود.

کلید واژه: تغییر جنسیت، ترانس سکشوال، خنثی، قرآن

(۱) مقدمه:

تغییر جنسیت از مباحث چالشی و مهم امروزه در حوزه مسائل پزشکی است. در این باره دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است. عده‌ای با آن موافق‌اند و عده‌ای شدیداً با آن مخالف‌اند. این دیدگاه‌ها از سوی فقهای شیعه و اهل سنت و کلیسای مسیحی مطرح شده است. یکی از پرسش‌های مطرح، این است که آیا از نظر قرآن، تغییر جنسیت جایز است یا نه؟ عده‌ای از فقها، عمدتاً از اهل سنت، معتقدند: این کار از نظر قرآن حرام است و آن را یک کار شیطانی قلمداد می‌کنند. مهم‌ترین آیه مورد استناد، آیه ۱۱۹ سوره مبارکه نساء است. در مجموع سه آیه می‌تواند به این بحث مربوط باشد که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

(۲) مفهوم شناسی:

«تغییر» واژه‌ای عربی به معنای هر گونه تبدیل یا دگرگونی است که در زبان فارسی نیز در همین معنا به کار رفته است (لسان العرب، ج ۵، ص ۴۰؛ فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۳۱؛ علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، واژه‌ی تغییر). و «جنس» به معنای «کالا و متاع» یا ماهیتی که شامل «انواع» متعدد باشد، تعریف شده است (همان، و حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، ص ۵۳۹)

البته به نظر می‌رسد کاربرد «جنس» به معنای «تر و ماده» استعمالی نو است و ریشه در وضع لغوی ندارد. در زبان فارسی «جنسی» به معنای آلت تناسلی است (دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ذیل واژه‌ی «جنس» و «جنسی»؛ حسین عمید، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۷۰۶) و «جنسیت» به معنای حالت یا ماهیت جنس و دارا بودن تمایلات جنسی به کار رفته است (همان). ترکیب این دو واژه یعنی «تغییر جنسیت» به سبب نو پیدا بودن، در کتب لغت تعریف نشده است، ولی در اصطلاح، از نظر برخی فقیهان اسلامی، مفهوم تغییر جنسیت بدیهی بوده و نیازمند تعریف نیست (علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۱۵۳)، و برخی دیگر تغییر جنسیت را به «تبدیل مرد به زن یا بر عکس» معنا کرده‌اند (محمد آصف محسنی، الفقه و المسائل الطبیه، ج ۱، ص ۱۱۱؛ محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۳؛ محمد صدر، منهج الصادقین، ج ۳، ص ۶۴۲).

از آن جایی که تغییر جنسیت شامل تغییر خنثی به مرد یا به زن و بر عکس آن می‌شود، می‌توان تغییر جنسیت را به تبدیل جنسیت یک فرد از مذکر به مؤنث، یا به عکس و از خنثی به مذکر یا مؤنث، و به عکس آن، معنا کرد.

تغییر جنسیت در یک تعریف عام، شامل تغییر جنسیت در حیوانات و حتی گیاهان نیز می‌شود (سرچشمه پور ، بررسی احکام فقهی و حقوقی تغییر جنسیت، ص ۴۲؛ محمد صدر، منهج الصادقین، ج ۳، ص ۶۴۲؛ محمد قائمی، المبسوط فی المسائل الطبیه، ج ۱، ص ۲۲۰؛ عبدالاعلی سبزواری، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۰۵).

پیشینه‌ی تغییر جنسیت با عمل جراحی مدرن و دانش پزشکی ارتباط نزدیک دارد و با رواج جراحی در اعضای مختلف بدن، دامنه‌ی آن به «جراحی در آلت تناسلی» نیز کشیده شد، ولی از آن جا که در نتیجه‌ی چنین عملی، فرد دارای جنسیت جدیدی می‌شد، از این رو، حساسیت‌هایی را به دنبال داشته است؛ چه این که مشهور فقهای معاصر شیعه به جواز تغییر جنسیت معتقد شده‌اند، در حالی که فقهای اهل سنت به حرمت این عمل معتقدند (ر.ک: ادامه مقاله).

«قانون تغییر جنسیت در مورد خنثی‌ها» برای اولین بار در سال ۱۹۷۲ میلادی در پارلمان سوئد به تصویب رسید و آن گاه در آلمان در سال ۱۹۸۰ و در ایتالیا در سال ۱۹۸۲ و در هلند در سال ۱۹۸۵ و در ترکیه در سال ۱۹۸۸ به تصویب رسید (فواز صالح، مقاله «جراحة الخنوثه و تغییر الجنس فی القانون السوری» مجله جامعه دمشق، المجلد ۱۹، العدد الثاني، ۲۰۰۳، ص ۴۹).

از تورات نمی‌توان حکم خاص درباره‌ی خنثی‌ها به دست آورد، ولی از نظر علمای یهود، تغییر جنسیت در مورد خنثی‌ها تنها اگر به منظور معالجه و درمان باشد جایز است. (همان، ص ۵۲-۵۳)، و در خصوص تغییر جنسیت مرد به زن یا بر عکس از علمای یهود اظهار نظری مشاهده نشده است. از کتاب انجیل هم نمی‌توان قانون خاص در این باره به دست آورد، ولی از نظر کلیسای کاتولیک از قرن هفدهم و هجدهم میلادی به بعد، مباحثی درباره‌ی علم جراحی در خصوص خنثی‌ها مطرح بوده است، اما دیدگاه واحدی در این باره وجود ندارد: در مواردی کلیسای کاتولیک به جواز و در مواردی به عدم جواز عمل جراحی در مورد خنثی‌ها نظر داده‌اند (همان، ص ۵۳-۵۵)، و این در حالی است که «کلیسای پروتستان» در طی قرون گذشته، به خنثی‌ها اجازه داده که به درمان خود اقدام کند و لو عمل جراحی، انجام دهند (همان، ص ۵۵-۵۶) و اخیراً در سال ۲۰۰۳ کلیسای کاتولیک انگلستان اعلام نمود که تغییر جنسیت مرد به زن یا بر عکس حرام و گناه است و مهم‌ترین دلیل آنان این است که این عمل، موجب «تغییر در خلق خدا» است که این استدلال، شبیه استدلال عالمان اهل سنت است (جهت تفصیل، ر.ک: محمد مهدی کریمی نیا، تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق، ص ۱۹۷ به بعد).

با وجود پیشینه‌ی هزار ساله‌ی بشر در عمل جراحی، اما سابقه‌ی آن در حوزه تغییر جنسیت به یک قرن نمی‌رسد. اولین تغییر جنسیت در انگلستان در سال ۱۹۴۴ میلادی اتفاق افتاد و چنین عملی در آمریکا در سال ۱۹۵۲ میلادی روی داد و اولین تغییر جنسیت در کشور مصر در سال ۱۹۸۲ میلادی اتفاق افتاد و این در حالی است که اولین تغییر جنسیت در ایران در سال ۱۳۰۹ شمسی روی داده است (علی رضا باریک لو، مقاله «وضعیت تغییر جنسیت»، مجله اندیشه‌های حقوقی، ش ۵ (۱۳۸۲)، ص ۶۴-۶۶؛ روزنامه همشهری، دوشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۸۴

شمسی، گزارش: «مردی که زن شد»؛ محمد مهدی کریمی نیا، تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق، ص ۵۳، و کم کم این عمل در کشورهای دیگر رایج گشت.

با توجه به نوظهور بودن این بحث، از منظر فقهی دارای پیشینه‌ی چندانی نمی‌باشد، ولی مباحث نزدیک به آن، مانند احکام افراد دو جنسیتی، و احکام افرادی که خود را به شکل و لباس جنس مخالف در می‌آورند، در فقه اسلامی دارای پیشینه‌ی طولانی است (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۵۷۳، ابواب میراث الخنثی، باب ۱، حدیث ۴، ۱، ۲؛ همان، باب ۵، حدیث ۵؛ همان، ج ۱۷، ص ۲۸۴؛ همان، ج ۲۰، ص ۳۳۸؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۳۶؛ ج ۷۶، ص ۶۵؛ ج ۱۰۰، ص ۲۵۸؛ ج ۱۱۰، ص ۱۶۶؛ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۵۰؛ ج ۸، ص ۷۱؛ سید مرتضی علم الهدی، الانتصار، ص ۳۰۶؛ میرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۵۶؛ علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۲۳۳؛ محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۵.

۴) امام خمینی مبتکر بحث فقهی تغییر جنسیت:

امام خمینی (ره) اولین فقیهی است که مباحث فقهی و حقوقی تغییر جنسیت را بیان نموده‌اند. ایشان در سال ۱۳۴۳ شمسی در کتاب «تحریر الوسيله»، در بخش «مسائل مستحدثه» به بیان تفصیلی احکام تغییر جنسیت پرداختند. به جرأت می‌توان گفت: قبل از ایشان، هیچ فقیه یا دانشمندی این مباحث را مطرح نکرده است. مسائل ده- گانه‌ای که امام خمینی (ره) در کتاب تحریر الوسيله مطرح کرده‌اند (امام خمینی، تحریر الوسيله، ج ۲، ص ۵۵۸-۵۵۹)، مهم‌ترین منبع فقهی برای تبیین جایگاه فقهی و حقوقی تغییر جنسیت در بعد از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۷۵ شمسی، ۱۹۷۹ میلادی) بوده است؛ به طوری که تا این تاریخ بیش از هزار بیمار مجوز تغییر جنسیت دریافت کرده‌اند. (بهرام میر جلالی، «عمل جراحی، خوب یا بد؟»، مجله همشهری سر نخ، ش ۳۷، پانزده اسفند ۱۳۳۸، ص ۳۶).

۵) تأثیر پذیری فقه‌های شیعه از دیدگاه امام خمینی:

تحت تأثیر دیدگاه امام خمینی (ره) عده‌ای از فقیهانی معاصر شیعه و حقوق دانان، مقالات فقهی و حقوقی در این زمینه نگاشتند. (جهت نمونه: محمد مؤمن قمی، کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة (مجموعه مقالات)، مقاله‌ی «تغییر الجنس»؛ سید محمد خرازی، مقاله‌ی «تغییر الجنسیه» مجله‌ی فقه اهل البیت (ع)، ش ۲۳، سال ششم (۱۳۷۹)؛ سید محمد صدر، کتاب «ماوراء الفقه» (مجموعه مقالات)، ج ۶، مقاله‌ی «تبدیل الجنس»؛ علی مشکینی، کتاب مصطلحات الفقه، مدخل «تغییر الجنسیه»؛ محمد آصف محسنی، کتاب «الفقه والمسائل الطبییه» (مجموعه مقالات)، ج ۱، مقاله‌ی «تغییر الجنسیه»؛ محمد قاننی، المسائل الطبییه، ج ۲، مقاله‌ی «تغییر الجنسیه»؛ محمد مهدی کریمی نیا، مقاله‌ی «بررسی فقهی- حقوقی تغییر جنسیت»، مجله‌ی معرفت، ش ۳۶، سال ۱۳۷۹؛ علی رضا

باریک لو، مقاله‌ی «وضعیت تغییر جنسیت»، مجله‌ی اندیشه‌های حقوقی، ش ۵، سال ۱۳۸۲؛ همو، مقاله‌ی «آثار حقوقی تغییر جنسیت»، فصلنامه علمی پژوهشی مدرس، سال ۱۳۸۳.

و مراجع تقلید نیز تحت تأثیر مراجعات مکلفین این بحث را در ضمن رساله‌های عملیه یا استفتاءات مطرح کرده‌اند. (جهت نمونه: ناصر مکارم شیرازی، مجموعه رساله‌ی استفتاءات، تهیه ابوالقاسم علیان نژادی، جلد اول؛ همو، رساله‌ی احکام برای بانوان، تهیه ابوالقاسم علیان نژادی؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، جلد دوم؛ یوسف صانعی، استفتاءات پزشکی؛ حسین علی منتظری، رساله‌ی استفتاءات، جلد دوم؛ محمد ابراهیم جنّاتی، رساله‌ی توضیح المسائل (استفتاءات)، جلد دوم؛ محمد حسین فیض الله، فقه الحیاه؛ سید یوسف مدنی، المسائل المستحدثه، جلد اول؛ سید حسین حسینی، احکام المغتربین وفقاً لفتاوی عشره من مراجع التقليد؛ سید صادق شیرازی، المسائل الطبیه).

پیشرفت و توسعه‌ی پزشکی در عرصه‌ی جراحی باعث شده است که در دهه‌های اخیر، هزاران تغییر جنسی صورت پذیرد، به طوری که یکی از پزشکان جراح ایرانی در مدت ۲۰ سال گذشته، حدود ۶۵۰ عملی جراحی تغییر جنسیت انجام داده است (بهرام میر جلالی، مجله همشهری سر نخ، ش ۳۷، ص ۳۶). تغییر جنسیت پرسش‌های فراوانی را در خصوص احکام مترتب بر آن به دنبال داشته است، مانند: اصل جواز تغییر جنسیت، بقایا عدم بقای ازدواج پس از تغییر جنسیت، ولایت و سرپرستی شخص پس از تغییر جنسیت، مسأله‌ی ارث، نفقه، مهریه، عناوین خانوادگی پس از تغییر جنسیت و پرسش‌های دیگر.

#### ۶) اقسام تغییر جنسیت:

تغییر جنسیت می‌تواند دارای اقسام گوناگونی باشد، زیرا در مواردی دستگاه تناسلی خارجی، صورت کامل پیدا نکرده و جنسیت حقیقی پنهان مانده است، که با جراحی، جنسیت حقیقی این افراد کشف می‌شود؛ دسته دیگر خنثی‌ها (دو جنسی‌ها) هستند که از گذشته تا کنون جوامع انسانی، کم و بیش با آن‌ها رو به رو بوده‌اند و در منابع حدیثی و فقهی به احکام شرعی این افراد اشاره شده است (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۵۷۶، ابواب میراث الخنثی، باب ۲، حدیث ۵؛ همان، ج ۱۷، ص ۵۷۳، باب ۱، حدیث ۱؛ علامه حلی، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، ج ۲، ص ۱۷۴؛ فخر المحققین، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، ص ۱۷۷؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۹۹؛ محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۴؛ علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۲۳۲).

این افراد به دو گروه «خنثای مشکل» و «خنثای غیر مشکل» تقسیم می‌شوند. خنثای مشکل یا «دو جنسی کامل» یا «هرما فرودیت حقیقی» (hermafrodit) به دلیل دارا بودن هر دو آلت تناسلی مردانه و زنانه، جنسیت بینابین و دو گانه دارند و دقیقاً مرد بودن یا زن بودن آنان آشکار نیست. این عده، ملزم به رعایت احتیاط‌های شرعی

بوده و برای مثال، ازدواج برای آنان حرام است. (سید محمد صدر، ماورا الفقه، ج ۶، ص ۱۳۵؛ علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۲۳۳-۲۳۴؛ میرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۵۵-۵۶). خنثای غیر مشکل، اگر چه با توجه به نشانه‌ها و امارات شرعی به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث ملحق می‌شوند و تکلیف شرعی آنان از لحاظ مرد بودن یا زن بودن روشن است، ولی این عده، دارای ابهام و اشکال جنسی بوده و از بیماری جنسی در رنج هستند. دسته سوم افراد ترانس سکسوال (Transsexual) یا «خنثای روانی» هستند که امروزه عمل جراحی به منظور تغییر جنسیت، بیشتر مربوط به این گروه است؛ یعنی کسانی که از نظر ظاهر، سالم بوده، ولی از نظر روانی، دچار اختلالات هویت جنسی بوده و خود را متعلق به جنس مخالف می‌دانند (صمد قضایی، پزشکی قانونی، ص ۵۶۸؛ فرامرز گودرزی، پزشکی قانونی، ج ۲، ص ۱۲۱۹؛ عبدالرسول دینانی، مقاله‌ی «حقوق اخلاق پزشکی و اصلاح جنسیت»، مجله دادرسی، ش ۲۹ (۱۳۸۰)، ص ۱۰؛ زینب کوچکیان زلبوا، بررسی وضعیت و مشکلات ناراضیان جنسی، ص ۱).

این افراد چنان چه از راه‌های دیگر درمان نشوند، به آنان «عمل جراحی تغییر جنسیت» پیشنهاد می‌شود، تا جنسیت آنان تا حد امکان، به روانی- که خود را متعلق به آن می‌دانند- تطابق پیدا کند. در جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در مورد این گروه اختلافات جدی بین فقیهان اسلامی مشاهده می‌شود. گروه چهارم، تغییر جنسیت افرادی است که از نظر «جسم» و «روان» سالم هستند، از نظر همه‌ی فقیهان شیعه و سنی، این نوع تغییر جنسیت حرام است، و تغییر جنسیت به منظور «کشف جنسیت» و نیز «تغییر جنسیت در مورد خنثی‌ها» از نظر همه فقیهان اسلامی قابل قبول است (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۸-۵۵۹؛ ناصر مکارم شیرازی، رساله‌ی استفتاءات، ج ۱، ص ۴۷۱-۷۴۲؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، استفتاءات، ج ۲، ص ۳۷۶؛ یوسف صانعی، استفتاءات پزشکی، ص ۹۲-۹۴؛ همو، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۵؛ حسین علی منتظری، رساله‌ی استفتاءات، ج ۲، ص ۴۰۸؛ سید یوسف مدنی تبریزی، المسائل المستحدثه، ص ۴۴؛ دیدگاه طنطاوی، مفتی مصر، ر.ک: علی رضا باریک لو، مقاله «وضعیت تغییر جنسیت»، مجله اندیشه‌های حقوقی، ش ۵ (۱۳۸۲)، ص ۷۵؛ احمد محمد کنعانی، الموسوعه الطیبه الفقهیه، ص ۲۸۵؛ محمد خالد منصور، الاحکام الطیبه المتعلقه بالنساء فی الفقه الاسلامی، ص ۲۰۷).

توجه به این نکته ضروری است که بررسی جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت، فی حد نفسه مورد توجه است. بنابراین، اگر ضرورت شدید یا اضطرار برای عمل جراحی تغییر جنسیت وجود داشته باشد، همه‌ی فقیهان، اعم از شیعه و سنی، به جواز آن معتقدند. نکته‌ی دیگر آن که، همه‌ی فقیهان اهل سنت، بدون استثنا به حرمت تغییر جنسیت معتقدند، اما فقیهان شیعه به دو گروه معتقدین به جواز تغییر جنسیت و عدم جواز تغییر جنسیت تقسیم می‌شوند.

فتوای صریح امام خمینی (ره) شامل تغییر جنسیت مرد به زن و زن به مرد، و نیز شامل تغییر جنسیت خنثی به یکی از دو جنس زن یا مرد می‌شود. بنابراین، از نظر امام خمینی، تغییر جنسیت تنها شامل تبدیل مرد به زن یا تبدیل زن به مرد نمی‌شود، بلکه از نظر ایشان، تبدیل خنثی به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث نیز مصداقی از تغییر جنسیت است. این مطلب از آن جهت مهم است که ممکن است تصور شود که دیدگاه امام خمینی (ره) مبنی بر جواز تغییر جنسیت، تنها شامل خنثی‌ها یا دو جنسی‌ها می‌شود؛ یعنی همان کسانی که از نظر جسمی بیمار بوده و نیازمند عمل جراحی تغییر جنسیت هستند، در حالی که امام خمینی با صراحت تمام، تغییر جنسیت در مورد افراد سالم را مجاز می‌شمرد؛ چه این که امام خمینی با صراحت تمام، بحث خنثی‌ها را قسیم مورد اول (تبدیل مرد به زن و زن به مرد) قرار داده‌اند و از نظر ایشان تغییر جنسیت مطلق جایز است؛ خواه تغییر جنسیت مرد به زن یا بر عکس، و خواه تغییر جنسیت خنثی - یکی از دو جنس مرد و زن (ر.ک: امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۸؛ محمد مهدی کریمی نیا، تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق، ص ۲۰۰).

تنها موردی که مورد اختلاف نظر جدی است، تغییر جنسیت در افراد خنثای روانی (ترانس سکشوال) است. مشهور فقهای شیعه به جواز آن معتقدند، مانند: امام خمینی، آیت الله محمد مؤمن قمی، آیت الله سید محسن خرازی، آیت الله محمد فاضل لنکرانی، آیت الله یوسف صانعی، آیت الله حسین علی منتظری، آیت الله محمد ابراهیم جناتی، آیت الله عبد الکریم موسوی اردبیلی، آیت الله حسین نوری، آیت الله سید علی خامنه‌ای، آیت الله سیستانی (ر.ک: منابع پیشین). در مقابل، تمام عالمان اهل سنت، اعم از فقیهان و حقوق دانان که در این باره اظهار نظر کرده‌اند، به حرمت تغییر جنسیت معتقدند (احمد محمد کنعانی، الموسوعه الطبیه الفقیه، ص ۲۸۴-۲۸۵؛ یوسف قرضاوی، الحلال و الحرام فی السلام. با تعلیقه حسن محمد تقی جواهری، ص ۱۵۵-۱۵۶؛ محمد بن حسین الجیزانی، فقه النوازل، ج ۴، ص ۹۶-۹۷).

در این میان، عده‌ای از فقیهان شیعه نیز به حرمت تغییر جنسیت معتقد شده‌اند، مانند: آیت الله سید ابوالقاسم خوئی، آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی، آیت الله محمد اراکی، آیت الله میرزا جواد تبریزی، آیت الله شیخ هادی نجفی (ابوالقاسم موسوی خوئی، استفتاءات: پرسش و پاسخ، ص ۳۸۶؛ سید حسین حسینی، احکام المغتربین، وفقا لفتاوی عشره من مراجع التقليد، ص ۴۳۹-۴۴۰؛ محمد علی اراکی، استفتاءات، ص ۲۸۴؛ مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، مجموعه آرای فقهی، قضایی در امور حقوقی، ج ۳، (نکاح ۱)، ص ۵۰-۵۱؛ هادی نجفی، الآراء الفقیهیه، ص ۱۶۲).

(۷) مهم‌ترین دلیل قرآنی بیان شده برای حرمت تغییر جنسیت:



## الف. دلیل اول قرآنی بیان شده برای حرمت تغییر جنسیت:

یکی از مهم‌ترین دلایل‌های حرمت تغییر جنسیت، حرام بودن تغییر در خلقت خداوندی است، که مستند این حکم از نظر همه‌ی مخالفین تغییر جنسیت از اهل سنت، و برخی از فقیهان شیعه (مثل آیت‌الله میرزا جواد تبریزی و آیت‌الله هادی نجفی، ر.ک: سید حسین حسینی، احکام‌المعتبرین وفقاً لفتاویٰ عشره من مراجع‌التقلید، ص ۴۳۹-۴۴۰؛ هادی نجفی، الآراء الفقهیه، ص ۱۶۲ به بعد)، آیه‌ی ۱۱۹ سوره‌ی نسا است: «وَلَا ضَلِيلَتُهُمْ وَلَا مُنِيْنَتُهُمْ وَلَا مَرْئِيْتُهُمْ فَلْيَبْتِكُنْ اَذَانَ الْاِنْعَامِ وَلَا مَرْئِيْتُهُمْ فَلْيَغْيِرَنَّ خَلْقَ اللّٰهِ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَّلِيًّا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِيْنًا»؛ بر اساس این آیه، شیطان می‌گوید که من انسان‌ها را گمراه کرده و به آروزها سرگرم می‌سازم و به آن‌ها دستور می‌دهم (اعمال خرافی انجام دهند و) گوش چهار پایان را بشکافند و آفرینش‌خدایی را تغییر دهند. آن‌گاه خداوند متعال در ادامه آیه می‌فرماید که آنان که شیطان را به جای خدا ولی خود برگزینند، زیان آشکاری کرده‌اند.

## بررسی و تحلیل دلیل اول:

با مراجعه به کتب تفسیری اهل سنت معلوم می‌شود که اساساً این آیه‌ی شریفه ناظر به بحث جدید تغییر جنسیت نیست؛ نهایت آن که برخی از مفسرین اهل سنت، خواهی‌کردن بردگان را یکی از مصادیق تغییر خلق‌الله دانسته‌اند. برای مثال، طبری از بزرگان اهل سنت در تفسیر جامع‌البیان، از بزرگان اهل سنت، تأویل آیه‌ی «فلیغیرن خلق‌الله» را بیان می‌کند: پانزده تن از بزرگان اهل سنت می‌گویند که منظور إحصا است. بیست تن از بزرگان اهل سنت معتقدند که منظور از تغییر خلق‌الله، تغییر دین است و هفت تن از اهل سنت می‌گویند منظور وشم و زینت‌های فریبنده است. آن‌گاه طبری از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند که منظور از «خلق‌الله»، به دلیل آیه‌ی ۳۰ سوره روم دین‌الله است. طبری می‌گوید که اگر این معنا را در نظر بگیریم، در این صورت، هر کاری که از سوی خداوند متعال نهی شده باشد، داخل معنای فوق خواهد شد، مانند خِصا، وشم و غیره. نیز هر کاری که ترک دستور الهی در آن نهفته باشد، کار شیطانی است؛ چون شیطان انسان‌ها را به ترک دستورات الهی و انجام گناهان دعوت می‌کند و او از این طریق نصیب می‌گیرد و در کار انسان شریک می‌شود و از این طریق، تغییر خلق‌الله که همان تغییر دین‌الله است، تحقق پیدا می‌کند. (محمد بن جریر طبری، تفسیر جامع‌البیان عن تفسیر آی القرآن، ج ۴، ص ۳۶۲-۳۶۷). فخر رازی درباره این که منظور از «تغییر خلق‌الله» چیست، دو نظر را نقل می‌کند که بر اساس نظر اول مراد از تغییر خلق‌الله، تغییر دین‌الله و تبدیل حلال به حرام است و بر اساس نظر دوم، مراد از تغییر، تغییر ظاهری است و تبدیل حلال به حرام است و بر اساس نظر دوم، مراد از تغییر، تغییر ظاهری است که برای آن وجوهی ذکر شده است، مانند: موی مصنوعی، قطع گوش و در آوردن چشم حیوان یا اخته کردن، تشبه مرد به زن

(تخنث) و نیز مساحقه؛ آن گاه فخر رازی نتیجه می‌گیرد که تمام معانی فوق می‌تواند مد نظر و مورد توجه باشد و وی همه‌ی معانی را می‌پذیرد (فخر رازی، تفسیر الکبیر، ج ۴، ص ۳۲۳). مفسرین دیگر اهل سنت نیز معانی فوق را برای تغییر خلق الله بیان داشته‌اند (مانند: شهاب الدین آلوسی، روح المعانی، ج ۵-۶، ص ۱۹۵؛ احمد ثعلبی، الکشف و البیان، ج ۳، ص ۳۸۸-۳۸۹؛ محمد جمال الدین قاسمی، محاسن التأویل و ج ۳، ص ۱۱۳۳-۱۱۳۶؛ یوسف بن احمد، تفسیر الثمرات الیانه و الاحکام الواضحه القاطعه، ج ۲، ص ۴۹۷-۴۹۸؛ محمد عبده تفسیر المنار، ج ۵، ص ۳۶۱). به عنوان جمع بندی دیدگاه مفسرین اهل سنت می‌توان گفت که تقریباً تمام مفسرین اهل سنت به معنای «تغییر دین الله» اشاره کرده و از نظر آنان تغییر خلق الله» یعنی «تغییر دین الله»، و این معنا را شبیه «لا تبدیل لخلق الله» (سوره روم، آیه ۳۰) می‌دانند که به معنای «لا تبدیل لدین الله» است. علاوه بر این، مفسرین اهل سنت، مصادیق بیشتر و معانی متعددی برای تغییر خلق الله بیان داشته‌اند، مانند: اخته کردن انسان، وشم، بریدن گوش حیوان، در آوردن چشم حیوان، تحریم گوشت حیوان حلال گوشت. پرستش ماه، خورشید و ... با این توضیح معلوم می‌شود از نظر مفسرین اهل سنت اساساً آیه‌ی شریفه ۱۱۹ سوره آل عمران ناظر به بحث تغییر جنسیت نیست.

در سال‌های اخیر که بحث نو پیدای تغییر جنسیت مطرح شده است، عده‌ای از فقیهان اهل سنت به آیه‌ی ۱۱۹ سوره‌ی نساء برای اثبات حرمت تغییر جنسیت استناد نموده‌اند (احمد محمد کنعانی، الموسوعه الطبیه الفقهیه، ص ۲۸۴-۲۸۵؛ محمد بن حسین الجیزانی، فقه النوازل، ج ۲، ص ۹۶-۹۷). از نظر فقهای اهل سنت که مخالف تغییر جنسیت هستند، هیچ گونه ضرورت شرعی برای تغییر جنسیت وجود ندارد و این کار در واقع، پاسخ مثبت به دعوت شیطان است که وعده داده از طریق این گونه کارهای حرام، انسان را منحرف سازد؛ چه این که شیطان به بنی آدم دستور داده و آنان، خلق خدا را تغییر خواهند داد (احمد محمد کنعانی، همان، ص ۲۸۵). وجود مذکر و مونث در میان موجودات زنده، امری لازم برای ازدواج و تکثیر نسل و ادامه‌ی نسل بشری است. از این رو، قانون گذار الهی، تغییر جنسیت را حرام کرده است، چون این کار با فطرت الهی مخالفت دارد (همان). از نظر برخی فقیهان اهل سنت، نه تنها تغییر جنسیت، بلکه کارهای دیگر مانند: شبیه سازی و حتی غلو و زیاده روی در زینت و آرایش، مصداقی از «تغییر خلق خدا» بوده و طبق آیه‌ی فوق، حرام است (یوسف قرضاوی، الحلال و الحرام فی الاسلام، با تعلیقه‌ی حسن محمد تقی جواهری، ص ۱۵۵-۱۵۶). در این میان، عده‌ای از فقیهان شیعه نیز با استناد به آیه‌ی فوق به حرمت عمل جراحی تغییر جنسیت معتقد شده‌اند، مانند آیت الله میرزا جواد تبریزی و آیت الله شیخ هادی نجفی (ر.ک: سید حسین الحسینی، احکام المغتربین وفقاً لفتاوی عشره من مراجع التقليد، ص ۴۳۹؛ هادی نجفی، الآراء الفقهیه، ص ۱۶۲؛ سید حسین فتاحی معصوم، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۸۰).

در بررسی و تحلیل استدلال فوق باید حداقل به سه آیهی قبل از آیهی تغییر توجه کرد: در آیهی ۱۱۶ سورهی نساء به بزرگی گناه شرک و این که هیچ گناهی بالاتر از آن نیست توجه شده است. در آیهی ۱۱۷ آمده که مشرکین به قدری کوتاه فکرنند که خالق و آفریدگار جهان هستی را رها کرده و در برابر موجوداتی سر تعظیم فرود می‌آورند که کم‌ترین اثر مثبتی ندارند، و بلکه همانند شیطان، ویران‌گر و گمراه‌کننده نیز می‌باشند. در آیهی ۱۱۸ به شیطان از آن جهت که گفته از بندگان خدا سهم معینی خواهم گرفت لعنت شده است.

برخی از محققین معتقدند با توجه به آیهی مورد بحث (نساء: ۱۱۹)، تغییر در خلقت گاه تغییر ظاهری و فیزیکی است و گاه تغییر معنوی، مانند: گمراه ساختن انسان‌ها و سرگرم ساختن آن‌ها به آرزوها. هر دو تغییر در راستای اهداف شیطان بوده و باعث دور ساختن فطرت بندگی خداوند است. بنابراین، هر نوع تغییر و تحریفی که به انگیزه‌ی شیطانی و اهداف و کارهای غیر الهی صورت پذیرد، مذموم و غیر شرعی است (محمد قائنی، المبسوط فی المسائل الطبیة، ج ۱، ص ۲۲۰).

در زمان جاهلیت قبل از اسلام، هر گاه شتر چند بار می‌زائید، گوش او را می‌بریدند و یا شکاف می‌دند و یا چشم آن را در می‌آوردند و از این طریق آن را در راه بت‌ها وقف می‌کردند، یعنی از آن پس، از سوار شدن و ذبح آن خود داری می‌کردند. (روح البیان، ج ۲، ص ۲۸۷؛ فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۳۱).

با توجه به شأن نزول فوق، برخی از محققین معتقدند خداوند در این آیات، از بریدن گوش یا کور کردن چشم حیوان و آن گاه وقف بت‌ها قرار دادن نهی کرده و آن را «تغییر در خلق الله» می‌داند؛ چه این که هدف از خلق این گونه حیوانات، استفاده از گوشت آن و بهره‌برداری از سواری و حمل بار است. این گونه نعمت‌ها، برای استفاده انسان‌ها آفریده شده است تا توان لازم برای عبادت و بندگی خداوند پیدا کنند؛ در غیر این صورت، از اهداف خلقت دور افتاده و در دام شیطان گرفتار آمده‌اند. (محمد قائنی، المبسوط فی المسائل الطبیة، ج ۱، ص ۲۲۰). بر این اساس، به اعتقاد برخی مفسرین، تغییر در خلقت به طور مطلق ناپسند نیست؛ زیرا برخی کارها از قبیل ختنه کردن، قطع کردن بند ناف جنین، چیدن موهای زائد بدن، و کوتاه کردن موی سر و حتی برخی جراحی‌های طبی از امری است که قانون‌گذار الهی نه تنها از انجام آن نهی نکرده است، بلکه به انجام آن نیز امر کرده است (سید عبدالاعلی سبزواری، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۹۰، ص ۲۸۹-۳۰۵). لذا مقصود از تغییر در آیهی تغییر (نساء: ۱۱۹)، نوع خاصی از تغییر است. مفسران در این که مراد از «تغییر در مخلوقات الهی» چیست، با هم اختلاف نظر دارند: تفسیر قمی از تفاسیر قرن سوم هجری «خلق الله» را در آیهی «فلیغیرن خلق الله» به «امر الله» تفسیر کرده است؛ پس هر کس با اوامر الهی مخالفت کند، خلق خداوند را تغییر داده است (علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ذیل آیه ۱۱۹ سوره آل عمران) و عیاشی از مفسرین قرن چهارم، تغییر خلق الله را به معنای «تغییر دین خدا و تغییر امر خدا» دانسته است، و برای اثبات مدعای خویش به احادیثی از امام باقر (ع) استناد نموده است که در آنها تغییر خلق خدا به همین معنا

تفسیر شده است (محمد بن مسعود سمرقندی، تفسیر عیاشی، ذیل آیه مورد بحث). شیخ طوسی از مفسران قرن پنجم هجری آراء و نظرات اختلافی مفسرین پیش از خود را گزارش کرده است. از ابن عباس و عده‌ای دیگر نقل کرده است که مراد، از تغییر در خلق الله، خواجه کردن و اخته کردن است و از برخی دیگر نقل کرده است که مراد «تغییر دین الله» است این معنا از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است و خداوند در آیه ۳۰ سوره روم «فَإِنَّ اللَّهَ الَّذِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا يَبْدِلُ خَلْقَهُ اللَّهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ»، دین خود را مطابق با فطرت الهی بشر دانسته است که در آن هیچ دگرگونی و تغییر راه ندارد. از برخی دیگر نیز نقل کرده است که منظور حیوانات است که خداوند آن‌ها را برای استفاده انسان‌ها آفریده است، ولی عده‌ای آن‌ها را برای خود حرام کرده‌اند و خلقت خورشید، ماه، سنگ که برای استفاده انسان‌ها است، آن‌ها را از مسیر طبیعی خارج نموده و معبود خویش قرار داده‌اند، و در پایان صاحب تفسیر تبیان نتیجه می‌گیرد که بهترین معنا این است که «تغییر خلق الله» به معنای تغییر دین است و تمام تفسیرهای دیگر را در ذیل همین معنا قابل ارزیابی می‌داند (محمد بن الحسن الطوسی، تفسیر التبیان، ج ۳، ص ۳۳۳). پس از آن سرآمد مفسران قرن ششم، مرحوم طبرسی نیز همین تفسیر را پذیرفته است (طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۸۸)، ولی شیبانی از مفسران قرن هفم در کتاب «نهج البیان عن کشف معانی القرآن» بر این باور است که هر گاه انسان، حلال خداوند را حرام کند و یا حرام او را حلال نماید، خلق خداوند را تغییر داده است (شیبانی، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، ج ۲، ص ۱۷۰). کاشفی مفسر قرن نهم هجری معتقد است هر تغییر مضری مشمول این آیه بوده و حرام است، ولی اگر در تغییر، نفعی وجود داشته باشد، مباح است. آن گاه با گزارش نظر عده‌ای از مفسرین این نظر را تقویت می‌کند که هر کس مرتکب گناه شود، خلق خداوند را تغییر داده است (کاشفی جواهر التفسیر، ص ۸۲۹). از نظر «تفسیر منهج الصادقین» و «تفسیر صافی»، تغییر یا «صوری» (ظاهری) است، مانند: خواجه کردن، و یا «صفتی» است، مانند لواط و مساحقه، و در ادامه این دو قسم را داخل در معانی «تغییر دین الله و تغییر امر الله» دانسته و بر این باورند که بین این دو تفسیر منافاتی نیست. (تفسیر منهج الصادقین، ج ۳، ص ۱۱۹؛ مولى محسن فیض کاشانی، الصافی، ج ۱، ص ۴۶۳-۴۶۴).

علامه طباطبایی نیز مشابه همین تفسیر را برگزیده است (محمد حسن طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ذیل آیه مورد بحث). مرحوم سبزواری از مفسرین معاصر نیز تغییر در خلقت را بر دو قسم، تقسیم کرده است: تغییر حسی مانند: خواجه کردن و مثله ساختن بدن؛ و تغییر معنوی مانند: خروج از فطرت الهی و اعراض از دین و ایجاد تغییر و تحریف آن و بر این باور است که آیه دلالت می‌کند بر این که تغییر در خلقت خداوند کاری ناپسند است و تصرف و تغییر در موجودات از اختصاصات خداوند است و برای غیر خدا چنین حقی وجود ندارد، مگر در مواردی که خداوند اجازه داده باشد، مانند: ختنه کردن، کوتاه کردن ناخن، وی بر این باور است که از نظر فقهی نیز تغییر بر دو قسم است: قسم اول تغییراتی که در خصوص آن‌ها نهی صریح وارد شده است، مانند: مجسمه سازی، خواجه ساختن

انسان، ریش تراشی و کارهای دیگری که نهی شرعی دارد؛ دوم تغییراتی که نهی صریح ندارد، مانند: جراحی پلاستیک و زیبا سازی که اگر همراه با غرض عقلایی باشد، جایز است و گرنه بر اساس مقتضای عمومات و اطلاقات، این کار حرام است؛ پس تغییر یک حیوان و تبدیل آن به حیوان دیگر، حرام است؛ وجه دوم این که بر اساس مناط و ملاکی که از «خلق الله» به دست می آید این است که حرمت تغییر در صورتی است که از طریق ایجاد خلقت جدید، با خلق و آفرینش الهی مقابله کند. پس در این حالت، حرمت وجود دارد. در پایان صاحب تفسیر «مواهب الرحمن» نتیجه می گیرد که هر نوع تغییر، چه در حیوان و چه در گیاهان، مادامی که به عنوان معارض و جنایت، با آفرینش الهی محسوب نشود، حرام نیست. البته این مطلب در صورتی است که در تغییر اذیت، آزار رسانی و اسراف وجود نداشته باشد، و گرنه حکم آن حرمت است. (سید عبدالاعلی سبزواری، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۸۹-۳۰۵).

جهت جمع بندی کلی دیدگاه مفسرین شیعه به نظر می رسد با توجه به روایات یاد شده که در آن «تغییر خلق الله» به «تغییر دین الله» و «تغییر امر الله» تفسیر شد. از این رو، مفسرین شیعه، پیوسته بر این مطلب اتفاق نظر داشته اند که هر گاه تشریح و بدعتی در دین و امر خدا روی دهد و حلال خدا حرام و حرام خدا حلال شود، این کار تغییر در خلقت الهی بوده و مذموم است. علاوه بر این، با توجه به شأن آیه ی ۱۱۹ سوره ی نساء معلوم می شود که برخی اشیاء به منظور خاص و هدف ویژه خلق شده است و هر گاه از مسیر اصلی منحرف شود، تغییر در خلقت الهی است. برای مثال، شتر برای استفاده از گوشت یا سواری آفریده شده است، و هر گاه انسان، بی دلیل آن را حرام کند، تشریح و بدعت بوده و «تغییر مذموم» است (محمد قائمی، المبسوط فی المسائل الطبیعه، ج ۱، ص ۲۲۰). با این توضیح روشن می شود که آیه ی تغییر (نساء: ۱۱۹) به بحث تبدیل مذکر به مؤنث و بر عکس، مربوط نمی شود و استناد به آن برای اثبات حرمت تغییر جنسیت ناصواب است و بیش از ده تن از فقیهان شیعه که به جواز تغییر جنسیت فتوا داده اند، از این آیه، حرمت تغییر جنسیت را استفاده نکرده اند. هر چند در اکثر قریب به اتفاق موارد، تغییر جنسیت به دلیل بیماری جسمی و یا روحی صورت می گیرد و راه دیگر برای درمان آن وجود ندارد.

#### ب. دلیل قرآنی دوم بیان شده برای اثبات حرمت تغییر جنسیت:

برخی دیگر از فقیهان شیعه (سید یوسف مدنی تبریزی، المسائل المستحدثه، ج ۲، ص ۴۲-۴۷) برای اثبات حرمت تغییر جنسیت به این آیه استناد کرده اند: «لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاءً و

يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذُّكُورَ. أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَ إِنَاثًا وَ يَجْعَلُ مَن يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ»؛ یعنی فرمانروایی [ مطلق ] آسمان‌ها و زمین از آن خداست؛ هر چه خواهد می‌آفریند؛ به هر کس بخواید فرزند دختر و به هر کس بخواید فرزند پسر می‌دهد. یا آن‌ها را پسر [آن] و دختر [آن] توأم با یکدیگر می‌گرداند، و هر که را بخواید عقیم می‌سازد. اوست دانای توانا.

از نظر وی، دختر بودن یا پسر بودن در اختیار خدا بوده و از سوی او قطعی شده است و بشر نمی‌تواند با اعمال خود، از جمله عمل جراحی، این پدیده واقعی را تغییر دهد. بر این اساس، دگرگونی‌هایی که در دو جنس «مذکر» و «مؤنث» از زمان انعقاد نطفه تا هنگام تولد رخ می‌دهد و ویژگی‌هایی که دارند و اسرار فراوانی که در مفهوم جنسیت نهفته است، همه از نشانه‌های خدا بوده و هیچ قدرتی نمی‌تواند آن را تغییر دهد و هر گاه به وسیله‌ی عمل جراحی، علائم جنس مخالف در وی پدید آید، در واقع تغییر جنسیت حاصل نشده و این کار حرام است و از نظر تکالیف شرعیه، وی حکم قبل از تغییر اعضای ظاهری را دارد.

#### بررسی دلیل فوق:

در پاسخ این استدلال به نظر می‌رسد با توجه به این که در فقه تعریف واضحی از «مذکر و مؤنث» وجود ندارد و از مجموع تعابیر فقهی به دست می‌آید که مقصود فقها نیز همان تعریف و نظر عرف در این باره باشد و ملاک عرف در مذکر و مؤنث بودن، دارا بودن آلت تناسلی و علائم ویژه‌ی مردانه یا زنانه است. پس اگر فردی از طریق عمل جراحی، دارای آلت تناسلی و ویژگی‌ها و علائم جنس مخالف شود و عرفاً به او نام جنس مخالف اطلاق شود، معلوم می‌شود که تغییر جنسیت امری ممکن است و در صورت وقوع و تبدل موضوع، احکام شرعی جنس مخالف بر او جاری خواهد شد (سید محسن خرازی، مقاله «تغییر الجنس»، مجله فقه اهل البیت (عربی)، ش ۲۳، ص ۲۴۱؛ همو، مقاله «تغییر جنسیت»، مجله فقه اهل بیت (فارسی)، ش ۲۳، ص ۱۰۴؛ سید حسین فتاحی معصوم، دیدگاه‌های اسلام در مسائل پزشکی، ج ۲، ص ۸۴-۸۹).

علاوه بر این، وظیفه‌ی فقیه این است که به این پرسش پاسخ دهد که اگر بنا به فرض تغییر جنسیت حاصل شد، حکم آن را از نظر جواز یا عدم جواز و نیز شرایط آن در صورت جواز، و بالاخره آثار و پیامدهای آن را از نظر تکلیفی و وضعی بیان دارد، این که تغییر جنسیت واقع شده است یا نه، قضاوت آن به عهده‌ی عرف است. حتی اگر در تحقق عرفی تغییر جنسیت تردید وجود داشته باشد، باز می‌توان از نظر فقهی درباره‌ی آن به صورت فرضی (اگری) بحث و گفت و گو کرد. بنابراین، با استناد به این که تغییر جنسیت، امکان وقوعی ندارد و حقیقتاً مرد به زن

یا بر عکس تبدیل نمی‌شود، نمی‌توان تغییر جنسیت را به طور مطلق، غیر مشروع دانست (علی رضا باریک لو، مقاله «وضعیت تغییر جنسیت» مجله‌ی اندیشه‌های حقوقی، ش ۵ (۱۳۸۲)، ص ۷۱).

پاسخ دیگری آن است که آیه‌های ۴۹ و ۵۰ سوره‌ی شوری، ارتباطی به غیر ممکن بودن تغییر جنسیت ندارد، بلکه برای نشان دادن این واقعیت است که هر گونه نعمت و رحمت در این عالم از سوی خدا است و کسی از خود چیزی ندارد. آن گاه به یک مصداق آن اشاره کرده است. از آن جایی که اعراب جاهلی پسر را برتر از دختر می‌دانستند، خداوند در این آیات، درباره‌ی آفرینش هر دو دختر و پسر کلمه‌ی «یَهَبُ» را به کاربرد، تا بفهماند پسر و دختر هر دو هدیه‌ی الهی هستند و کلمه‌ی «اناثاً» را مقدم آورد تا تجلیلی باشد از «دختر» و کلمه‌ی «الذکور» را با حرف «ال» آورد تا بگوید آن پسرانی که شما به آن دل خوشید، آنان نیز هدیه‌ی الهی هستند (ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ذیل آیات مورد بحث).

#### ج. دلیل سوم قرآنی در اثبات حرمت تغییر جنسیت:

دلیل دیگری که بر اثبات حرمت تغییر جنسیت ممکن است مطرح شود، استناد به آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی نور است: لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ؛ خداوند در این آیات به پیامبرش دستور می‌دهد که به مؤمنین بگو که چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرم) فرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ و خداوند از آن چه انجام می‌دهند آگاه است. و به زنان با ایمان بگوید که چشم‌های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند.

با توجه به این که انجام عمل جراحی تغییر جنسیت، ملازم با نظر به عورت نامحرم و گاه لمس آن است، از این رو، با توجه به آیه‌ی یاد شده لازم است برای پرهیز از ارتکاب این حرام مسلّم، از تغییر جنسیت پرهیز شود؛ چه این که نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم، چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به صورت و دست‌ها اگر به قصد لذت باشد حرام است، ولی اگر بدون قصد لذت باشد مانعی ندارد و نیز نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام می‌باشد و نگاه کردن به صورت و بدن و موی دختر نابالغ اگر به قصد لذت نباشد و به واسطه‌ی نگاه کردن به صورت و بدن و موی دختر نابالغ اگر به قصد لذت نباشد و به واسطه‌ی نگاه کردن هم انسان نترسد که به حرام بیفتد اشکال ندارد، ولی بنا بر احتیاط باید جاهایی را که مثل ران و شکم معمولاً می‌پوشانند نگاه نکند (امام خمینی، رساله‌ی توضیح المسائل، مسأله‌ی ۲۴۳۳).

از نظر فقها بر اساس «قاعده‌ی اضطرار» که یکی از قواعد مشهور فقهی است و مستند آن آیات متعدد قرآن کریم (مائده: ۳؛ انعام: ۱۱۹) و روایات اسلامی است، انجام بعضی، از امور حرام، در حالت اضطرار حلال می‌شود. برای مثال، طبق آیه‌ی ۱۷۳ سوره‌ی بقره، خوردن گوشت مردار، خون، گوشت خوک حرام است، اما کسی که گرفتار اضطرار می‌شود، برای حفظ جان، گناهی بر او نیست.

زندگی خنثای جسمی و خنثای روانی مصداق آشکار اضطرار است و زندگی خنثای روانی، همانند خنثای جسمی دارای اضطراب و پریشانی و عدم تطابق جنسی است؛ لذا تغییر جنسیت برای وی یک امر ضروری و غیر قابل انکار است. تغییر جنسیت می‌تواند او را از «بلا تکلیفی جنسی» یا «اختلال هویت جنسی» خارج نماید.

علاوه بر این، آیاتی از قرآن کریم به «نفی عسر و حرج» دلالت دارد (حج (۲۳)، آیه‌ی ۷۸؛ بقره (۲)، آیه‌ی ۱۸۵؛ مائده (۵)، آیه‌ی ۶). از این رو از ناحیه‌ی هر حکمی که حرج و استیصال و مشقت لازم آید، آن حکم برداشته خواهد شد. بدون تردید وضعیت جسمی یا روحی در خنثای جسمی و یا خنثای روانی مصداقی روشن از عسر و حرج و مشقت است که می‌تواند زندگی را برای وی بسیار دشوار و ناراحت کننده قرار دهد. بنابراین، حتی اگر با استناد به آیه‌ی یاد شده یا ادله‌ی دیگر، حرمت تغییر جنسیت در شرایط عادی اثبات شود، بی‌تردید در حال اضطرار یا عسر و حرج، اگر راه حل درمانی دیگری وجود نداشته باشد، تغییر جنسیت مجاز خواهد بود.

با توجه به رویکرد قرآنی این مقاله، تنها اشاره مختصری به آثار فقهی کفایت خواهد کرد. فقهای شیعه تأثیر تغییر جنسیت را بر ازدواج، و مهریه، نفقه، ولایت و حضانت و نیز مسأله‌ی ارث مورد بررسی قرار داده‌اند.

۸) نگاهی گذرا به آثار فقهی تغییر جنسیت:

### اول: تأثیر تغییر جنسیت بر مسأله‌ی ازدواج

از جمله این آثار، تأثیر تغییر جنسیت بر مسأله‌ی ازدواج است. یکی از مسائل بدیهی در فقه اسلامی «لزوم اختلاف جنس در ازدواج» است و ازدواج «مرد با مرد» یا ازدواج «زن با زن» مشروع نیست (محمد مؤمن قمی، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۱۰؛ محمد صدر، ماورا الفقه، ج ۶، ص ۱۳۸؛ سید محسن خرازی، مقاله «تغییر الجنس»، مجله فقه اهل البیت علیهم السلام، ش ۲۳، ص ۲۷۴). حتی اگر در موردی پس از ازدواج کشف



خلاف شود، ازدواج سابق باطل بوده و مجوزی برای بقای آن وجود ندارد. به اتفاق فقیهان شیعه اگر این رکن مسلم ازدواج، به هر دلیلی، از جمله تغییر جنسیت، مخدوش شود، ازدواج سابق باطل می‌شود (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹، مسأله‌ی ۳؛ احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۱۹۷-۱۹۹؛ محمد مؤمن قمی، کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، ص ۱۰۹-۱۱۰). از نظر فقهای شیعه در صورتی که زن و شوهر هر دو تغییر جنسیت دهند، چنان چه این تغییر همزمان نباشد، موجب بطلان ازدواج سابق می‌شود؛ چه این که با تغییر جنسیت اول (مثلاً زوج) ازدواج سابق باطل می‌شود و تغییر جنسیت دوم (مثل زوجه) تأثیر در حکم مسأله، یعنی باطل شدن ازدواج سابق ندارد (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹، مسأله‌ی ۳؛ احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، (مسائل مستحدثه)، ص ۱۹۸-۱۹۹؛ محمد مؤمن قمی، کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، ص ۱۰۸-۱۱۰؛ غلامحسین خدادادی، احکام پزشکان و بیماران (فتاوی آیت الله محمد فاضل لنکرانی)، ص ۱۴۱، مسأله‌ی ۳۵۱؛ حسین علی منتظری، رساله‌ی استفتاءات، ج ۲، ص ۴۰۸؛ همو، احکام پزشکی، ص ۱۱۵؛ یوسف صانعی، استفتاءات، ج ۲، ص ۲۸۷؛ محمد ابراهیم جناتی، رساله توضیح المسائل (استفتاءات)، ج ۲، ص ۲۵۵-۲۵۶؛ اما اگر تغییر جنسیت، همزمان باشد، امام خمینی (ره) و برخی دیگر از فقهای شیعه، بقای ازدواج سابق را ترجیح می‌دهند و معتقدند بقای نکاح آن دو بعید نیست، ولی احتیاط آن است که ازدواج میان آن دو تجدید شود (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹؛ یوسف صانعی، استفتاءات پزشکی، ص ۱۰۵-۱۰۶؛ همو، مجمع المسائل (استفتاءات)، ج ۱، ص ۴۶۵)، ولی بقیه‌ی فقیهان شیعه معتقدند که اساساً «تغییر جنسیت همزمان زوجین» تأثیری در باطل شدن ازدواج سابق ندارد (احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۱۹۸-۱۹۹؛ محمد مؤمن قمی، کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، ص ۱۰۹-۱۱۱؛ سید محسن خرازی، مقاله «تغییر الجنس»، مجله فقه اهل البیت (عربی)، ش ۲۳ (پاییز ۱۳۷۹)، ص ۲۴۷-۲۴۸؛ غلام حسین خدادادی، احکام پزشکان و بیماران (فتاوی آیت الله محمد فاضل لنکرانی)، ص ۱۴۱، مسأله‌ی ۳۵۱؛ ناصر مکارم شیرازی، رساله احکام برای بانوان، تهیه و تنظیم از: ابوالقاسم علیان نژادی، ص ۲۳۶؛ همو، مجموعه استفتاءات، ج ۱، ص ۴۷۰-۴۷۲؛ حسین علی منتظری، رساله استفتاءات، ج ۲، ص ۴۰۸؛ همو، احکام پزشکی، ص ۱۱۵؛ محمد ابراهیم جناتی، رساله توضیح المسائل (استفتاءات)، ج ۲، ص ۲۲۵).

### دوم: تأثیر تغییر جنسیت بر مهریه‌ی زوجه

از نظر فقهای شیعه، تغییر جنسیت بر مهریه‌ی زوجه در عقد دائم نیز تأثیر گذار است؛ زیرا با تغییر جنسیت، ازدواج نیز منحل می‌شود. در این خصوص چهار احتمال مطرح شده است، از جمله این که پرداخت مهریه به هیچ وجه لازم نیست؛ چه آمیزش صورت گرفته باشد یا نه، چه زوج تغییر جنسیت داده باشد یا زوجه. این احتمال مورد

قبول فقها نیست (ر.ک: محمد مؤمن، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۱۱؛ سید محسن خرازی، مقاله‌ی «تغییر الجنس» مجله فقه اهل البیت (عربی)، ش ۲۳ (۱۳۷۹)، ص ۲۵۲؛ چه این که مهریه به دلیل ازدواج، واجب می‌شود و با انحلال ازدواج به دلیل تغییر جنسیت، از بین نمی‌رود. همان طور که پس از عوامل دیگر انحلال، مثل: فوت، طلاق و فسخ، نکاح، مهریه از بین نمی‌رود. احتمال دوم که برخی آن را پذیرفته‌اند، پرداخت مهریه در هر صورت واجب است (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹، مسأله‌ی ۳). احتمال سوم که از سوی برخی فقهای شیعه مطرح شده است آن است که هر گاه تغییر جنسیت پس از آمیزش باشد، پرداخت تمام مهریه به عهده‌ی زوج است و اگر قبل از آمیزش باشد، نصف مهریه را باید بپردازد (محمد مؤمن، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۱۴؛ محمد ابراهیم جناتی، رساله‌ی توضیح المسائل استفتاءات)، ج ۲، ص ۲۵۵). آخرین احتمال نیز از سوی برخی مطرح شده است که اگر تغییر جنسیت از سوی زوجه و بدون رضایت زوج صورت پذیرد، پرداخت مهریه بر عهده‌ی زوج، واجب نیست، ولی اگر زوجه تغییر جنسیت دهد، باید مهریه‌ی زوجه را پرداخت کند (یوسف صانعی، استفتاءات، ج ۱، ص ۴۶۵؛ همو، استفتاءات پزشکی، چاپ چهارم، ص ۱۰۵-۱۰۶).

در ازدواج موقت نیز از نظر فقهای شیعه، اگر زوجه تغییر جنسیت دهد، بایستی تمام مهریه را پرداخت کند، گویا که مدت را بذل کرده و از ادامه‌ی زندگی منصرف شده است و اگر زوجه تغییر جنسیت دهد، به مقدار زمان تخلف، از میزان مهریه کاسته می‌شود (سید محسن خرازی، مقاله «تغییر الجنس»، مجله فقه اهل البیت (عربی)، ش ۲۳، ص ۲۵۵).

### سوم: تأثیر تغییر جنسیت بر مسأله‌ی نفقه زوجه و فرزندان:

از آثار دیگر تغییر جنسیت که از سوی فقهای شیعه مطرح شده است مسأله‌ی «نفقه زوجه» است؛ زیرا در صورت تغییر جنسیت، ازدواج سابق باطل می‌شود. بنابراین احکام زوجیت، مانند نفقه نیز به تبع انتفای موضوع (ازدواج سابق) از بین می‌رود (سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۸ و ۱۴۵؛ همو، منهج الصادقین، ج ۳، ص ۶۶۴، مسأله‌ی ۳۷۰۶ و ۳۷۰۸؛ مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، گنجینه سئوالات فقهی قضائی، سؤال شماره ۵۸۶۸).

از نظر فقهای شیعه، تغییر جنسیت پدر، تأثیری در وجوب نفقه‌ی فرزندان ندارد و او، هم چنان موظف به پرداخت نفقه‌ی فرزندان خویش است؛ چون تغییر جنسیت پدر، از نظر عرف، وی را از عنوان «پدر بودن» خارج نمی‌سازد (محمد مؤمن، کلمات سدید فی مسائل جدید، ص ۱۱۵؛ سید محسن خرازی، تغیر الجنسیه، مجله فقه اهل البیت علیهم السلام، ش ۲۳، ص ۲۵۸). و تغییر جنسیت مادر نیز تأثیری در نفقه‌ی فرزندان ندارد؛ زیرا این وظیفه از

ابتدا بر عهده‌ی مادر نبوده است، بلکه ابتدا به عهده‌ی پدر است و در نبود وی، وظیفه‌ی جد پدری است. تنها در صورت نبود پدر و جد پدری، و با فرض توان مالی مادر، وظیفه‌ی پرداخت نفقه‌ی فرزندان به عهده‌ی مادر خواهد بود و با تغییر جنسیت وی، این وظیفه هم چنان به عهده‌ی وی خواهد بود. (ر.ک: محمد مهدی کریمی نیا، تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق، ص ۳۳۰ به بعد)

ضمناً هر گاه پدر و مادر از نظر مالی ناتوان باشند، بر فرزندان وی، قدرت تمکن شرط عقلی است و واجب است مخارج ایشان را تأمین کنند و تغییر جنسیتی فرزندان، تأثیری در این حکم ندارد؛ زیرا این حکم متوجه «فرزند» است و دختر یا پسر بودن تأثیری در آن ندارد.

#### چهارم: تأثیر تغییر جنسیت بر مسأله‌ی عِدّه:

از جمله آثار مورد توجه فقهای شیعه، تأثیر تغییر جنسیت بر مسأله‌ی «عده» است. از نظر فقها، در صورت تغییر جنسیت، «عده» در هر صورت ساقط است؛ چه مرد تغییر جنسیت دهد، یا زن، و چه عِدّه‌ی طلاق باشد، یا عِدّه‌ی فسخ، یا عِدّه‌ی وفات، حتی شامل تغییر جنسیت زوجه در زمان عِدّه نیز می‌شود. مهم‌ترین دلیل فقها در این باره، تبدل و تغییر موضوع است و این که عِدّه، مخصوص زنان است. پس هر گاه موضوع عوض شود و زن به سبب تغییر جنسیت مرد شود، حکم نیز عوض می‌شود. از این رو، عِدّه ساقط است (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۸؛ احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۲۰۰؛ محمد مؤمن، کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، ص ۱۱۵؛ سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۴۴؛ سید محسن خرازی، مقاله‌ی «تغییر الجنس»، مجله فقه اهل البیت علم السلام (عربی)، ش ۲۳، ص ۲۵۴).

#### پنجم: تأثیر تغییر جنسیت بر عناوین خانوادگی:

از جمله آثار مورد نظر فقهای شیعه، تأثیر تغییر جنسیت بر «عناوین خانوادگی» است، مانند: برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی، خاله، پدر و مادر. این عناوین به دو قسم تقسیم شده‌اند. یک قسم، عناوینی که تغییر جنسیت، موجب تبدل آن می‌شود، مانند: «برادر، خواهر»، «دایی، خاله» و «عمو، عمه» که در صورت تغییر جنسیت به عنوان مخالف تبدل می‌شود، مثلاً «برادر» به «خواهر» تبدل می‌شود. دوم عناوینی که تغییر جنسیت باعث تبدل آن نمی‌شود که تنها مصداق آن عنوان پدر و مادر است؛ یعنی «پدر» با تغییر جنسیت «مادر» نمی‌شود و «مادر» عنوان «پدر» پیدا نمی‌کند (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹؛ سید محسن خرازی، مقاله‌ی «تغییر الجنس»، مجله فقه اهل البیت علیهم السلام (عربی)، ش ۲۳، ص ۲۵۸؛ محمد مؤمن، کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، ص

۱۱۵؛ چون «پدر» از نظر فقهی کسی است که فرزند از نطفه (اسپرم) وی به وجود می‌آید و «مادر» کسی است که فرزند از تخمک وی پدید می‌آید و این امر با تغییر جنسیت پدر یا مادر تغییر نمی‌کند، الا این که پدر پس از تغییر جنسیت به زن تبدیل شده و مادر پس از تغییر جنسیت به مرد تبدیل گشته است.

### ششم: تأثیر تغییر جنسیت بر مسأله‌ی ولایت و سرپرستی کودکان:

تأثیر تغییر جنسیت بر مسأله‌ی ولایت و سرپرستی کودکان نیز در منابع فقهی شیعه مورد بررسی قرار گرفته است. اگر «مادر» تغییر جنسیت دهد بر فرزندان ولایت پیدا نمی‌کند؛ چه این که ولایت ابتداءً برای پدر است و با نبود پدر، ولایت برای جدّ پدری است، و در صورت نبود جدّ پدری، ولایت کودکان بر عهده‌ی حاکم شرع نخواهد بود، و هر گاه «پدر» تغییر جنسیت دهد، این امر تأثیری بر ولایت وی ندارد، و هر گاه مادر در مدتی که حق حضانت کودک به او محول شده است، تغییر جنسیت دهد و مرد شود، وی هم چنان دارای اهلیت حضانت است؛ زیرا با تغییر جنسیت، صفت «أنوئیت» (زن بودن) از وی زایل شده است، نه صفت «مادری».

حق حضانت پدر نیز در صورت تغییر جنسیت زایل نمی‌شود؛ چون حضانت کودک به پدر از آن جهت که «پدر» است واگذار شده است و عنوان «پدر» پس از تغییر جنسیت عوض نمی‌شود (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹؛ احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۲۰۱؛ محمد مؤمن، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۱۵-۱۱۶؛ سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۴۵؛ همو، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۴؛ سید محسن خرازی، مقاله‌ی «تغییر الجنس»، مجله فقه اهل البیت علیهم السلام (عربی)، ش ۲۳، ص ۲۵۸-۲۶۰).

### هفتم: تأثیر تغییر جنسیت در ارث:

تغییر جنسیت در ارث نیز آثاری به دنبال دارد که برخی از فقهای شیعه این آثار را مورد بررسی قرار داده‌اند. از نظر ایشان هر گاه فردی، جنسیت خویش را در زمان زنده بودن والدین خود تغییر دهد و آن گاه یکی از والدین وی فوت کند، ملاک ارث، جنسیت فعلی است. بنابراین، پسر فعلی، دو برابر خواهر خود سهم الارث دریافت می‌کند، هر چند قبلاً دختر بوده است. نیز دختر فعلی، به اندازه‌ی نصف برادر خویش، سهم الارث دریافت می‌کند. هر چند قبلاً پسر بوده است؛ اما هر گاه پدر یا مادر تغییر جنسیت دهند و آن گاه بخواهند از فرزند خویش ارث ببرند، جنسیت جدید در میزان ارث آن‌ها اثری نخواهد داشت؛ زیرا میزان ارث پدر یا مادر بر اساس زمان انعقاد نطفه فرزند است؛ یعنی برای پدر در حال انعقاد نطفه، دو سوم است، هر چند بعداً تغییر جنسیت داده و به مرد تبدیل شود (محمد مؤمن قمی، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۱۷-۱۱۸؛ سید محسن خرازی، مقاله «تغییر جنسیت»، مجله

فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ش ۲۳، ص ۱۳۵؛ برای دیدن نظر مخالف، امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۶۰، مسأله‌ی ۷).

۹) نتیجه گیری:

امروزه به مدد جراحی های نوین و حیرت انگیز این امکان فراهم گشته که جنسیت فردی از مرد به زن یا برعکس تغییر کند. مهم ترین پرسش در این باره روایی یا ناروایی این عمل است. از نظر امام خمینی و عده ای از فقهای شیعه دلیلی بر منع آن وجود ندارد. و آیاتی که در اثبات حرمت تغییر جنسیت بیان شده است، وافی به مقصود نیست.

۱۰) منابع:

- ۱- قرآن کریم، با ترجمه آیت الله مکارم شیرازی و دکتر محمد مهدی فولادوند.
- ۲- آریان پور کاشانی، عباس و منوچهر آریان پور کاشانی، فرهنگ دانشگاهی انگلیسی به فارسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۹، چ نهم، دو جلدی.
- ۳- آلوسی بغدادی، شهاب الدین محمود، روح المعانی، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی، ۱۹۹۹ م.
- ۴- ابو حبیب، القاموس الفقهی، لغة و اصطلاحاً، دمشق، دارالفکر، ۱۴۱۹ ق ۱۹۹۸ م.
- ۵- احمد احمد و عادل القاضی، فقه الحیاء، حوار مع آیت الله السید محمد حسین فضل الله، بیروت، مؤسسه المعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹ ق، چ سوم.
- ۶- اراکی، محمد علی، استفتائات، قم، الهادی، ۱۳۷۳.
- ۷- اردبیلی، احمد، زبده البیان فی احکام القرآن، تهران، المكتبة المرتضویة، بی تا.
- ۸- الانصاری، قدرت الله و جمع من المحققین، موسوعة الاطفال و ادلتها، قم، مرکز فقه الائمه الاطهار، ۱۴۲۵ ق.
- ۹- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۱.
- ۱۰- بی آزار شیرازی، عبدالکریم، رساله نوین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵، چ دوم.
- ۱۱- البغوی، امام ابی محمد الحسین بن مسعود الفراء، تفسیر البغوی، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۲۰۰۲ م، چ دوم.
- ۱۲- الثعلبی، امام احمد، الكشف و البیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۲۰۰۲ م.
- ۱۳- جناتی، محمد ابراهیم، رساله توضیح المسائل، (استفتاءات)، قم، انصاریان، ۱۳۸۲، دو جلدی.

- ١٤- الحر العاملي، محمد بن الحسن، وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعة، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤١٢ ق / ١٩٩١ م.
- ١٥- الحسيني، السيد حسين، احكام المغتربين، تهران، مركز الطباعة و النشر للمجمع العالمي لاهل البيت عليهم السلام، ١٤٢٠ ق.
- ١٦- الحسيني، السيد صادق، المسائل الطبية، قم، ياس الزهراء، ١٤٢٧ ق.
- ١٧- خالد منصور، محمد، الاحكام الطبية المتعلقة بالنساء في الفقه الاسلامي.
- ١٨- خامنه اي، السيد علي، رسالة اجوبة الاستفتاءات، تهران، الهدى، ١٣٨٠ ش.
- ١٩- خدادادي، غلامحسين، احكام پزشكان و بيماران، فتاوى آيت الله محمد فاضل لنكراني.
- ٢٠- خوئي، سيد ابوالقاسم، استفتاءات، پرسش و پاسخ، قم، مؤسسه احياء آثار امام خوئي، ١٣٨١.
- ٢١- الخوئي، السيد ابوالقاسم، منية السائل، استفتاءات هامة، جمعه و رتبه موسى مفيد الدين عاصي العاملي، قم مؤلف، ١٣٧٠ ش. الطبعة الثالثة.
- ٢٢- الخميني، امام روح الله، تحرير الوسيلة، تهران، مكتبة اعتماد الكاظمي، ١٣٦٦، چ ششم.
- ٢٣- خميني، امام روح الله، ترجمه تحرير الوسيلة، مترجم: محمد باقر موسوي همداني.
- ٢٤- دهخدا، علي اكبر، لغت نامه دهخدا، زير نظر محمد معين، تهران، دانشگاه تهران، ١٣٣٧ ش.
- ٢٥- الرازي، امام فخر، تفسير الكبير، بيروت، دار احياء التراث العربي، ٢٠٠١ م الطبعة الرابعة.
- ٢٦- الرميخان، علي بن سليمان، الاحكام و الفتاوى الشرعية لكثير من المسائل الطبية، رياض، دار الوطن للنشر، ١٤١٩ ق.
- ٢٧- الزمخشري، محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الاقاويل في وجوه التأويل، بيروت، دارالكتاب العربي، ١٩٨٧ م.
- ٢٨- السبزواري، السيد عبد الاعلى، مواهب الرحمن في تفسير القرآن، قم، دفتر آيت الله سبزواري، ١٤١٩ ق.
- ٢٩- سليمان، عمر و ديگران، قضايا طبية معاصرة، اردن، دارالنفائس، ٢٠٠١ م.
- ٣٠- سميح عيسى، نضال، الطب الوقائي، سوريه، دارالمكتبي، ١٩٩٩ م.
- ٣١- صانعي، يوسف، مجمع المسائل، استفتاءات، قم، ميثم تمار، ١٣٧٧ ش، چ سوم.
- ٣٢- صانعي، يوسف، استفتاءات پزشكي، قم، ميثم تمار، ١٣٧٧ ش، چ دوم.
- ٣٣- الصدر، السيد محمد، ماوراء الفقه، بيروت، دارالاضواء، ١٩٩٦ م.
- ٣٤- الصدر، السيد محمد، منهج الصالحين، بيروت، دارالاضواء، ١٤٤٢ م.
- ٣٥- صليبا، جميل، فرهنگ فلسفي، ترجمه منوچهر صانعي دره بيدى، تهران، حكمت، ١٣٦٦ ش.
- ٣٦- طباطبائي يزدي، سيد محمد كاظم، العروة الوثقى، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٠٧ ق، چ سوم.
- ٣٧- طباطبائي، سيد محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، قم، مؤسسه اسماعيليان، ١٣٩٣ ق.
- ٣٨- الطبرسي، ابوعلی فضل بن الحسن، مجمع البيان، بيروت، دارالمعرفة، ١٩٨٨ م.

- ۳۹- الطبری، محمد بن جریر، تفسیر جامع البیان عن تفسیر آی القرآن (تفسیر طبری)، بیروت، دار ابن حزم و دار الاعلام، ۲۰۰۰م.
- ۴۰- طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸، چ دوم.
- ۴۱- الطوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، المبسوط فی الفقه الامامیة، تهران، المكتبة المرتضوية لاحیاء آثار الجعفریة، ۱۳۷۸ق.
- ۴۲- الطوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- ۴۳- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۰ش، چ سوم.
- ۴۴- عوده، عبدالقادر، التشریع الجنائی الاسلامی فی المذاهب الخمسة مقارناً بالقانون الوضعی، تهران، مؤسسه البعثة، ۱۴۰۲ق.
- ۴۵- فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، استفتاءات، قم، امیر، ۱۳۷۷ش.
- ۱- فاضل لنکرانی، محمد، النکاح، قم، مرکز فقه الائمه، ۱۴۲۱ش.
- ۴۶- فتاحی، سید حسین، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلامی در پزشکی.
- ۴۷- فتاحی، سید حسین، مجموعه مقالات و گفتارهای سومین سمینار دیدگاه‌های اسلامی در پزشکی.
- ۴۸- فقیه یوسف، یوسف بن احمد، تفسیر الثمرات الیائنة و الاحکام الواضحة القاطعة، یمن، مكتبة التراث الاسلامی، ۲۰۰۲م.
- ۴۹- فیض کاشانی، مولی حسن، الصافی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۹ق.
- ۵۰- الفائنی، محمد، المبسوط فی المسائل الطبیة، قم، مرکز فقه الائمه الاطهار علیهم السلام، ۱۴۲۲ق.
- ۵۱- القاسمی، محمد جمال الدین، تفسیر القاسمی المسمى محاسن التأویل، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۶ق.
- ۵۲- القرضاوی، یوسف، الحلال و الحرام فی الاسلام، با تعلیقه حسن محمد تقی الجواهری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۹ق.
- ۵۳- القرطبی، محمد بن احمد، الجامع الاحکام القرآن، قاهره، دار الکاتب العربی، ۱۹۷۶م.
- ۵۴- قضایی، صمد، پزشکی قانونی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- ۵۵- کاهانی، علیرضا، اختلال هویت جنسی، دگر جنسیت جوها، تهران، تیمور زاده و طیب، ۱۳۸۱.
- کریمی نیا، محمد مهدی، تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)، ۱۳۸۹.
- کریمی نیا، محمد مهدی، تغییر جنسیت با تأکید بر دیدگاه امام خمینی(ره)، تهران: عروج، ۱۳۹۱.
- ۵۶- کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۷ش.

- ۵۷- کنگره پزشکی قانونی، خلاصه مقالات اولین کنگره پزشکی قانونی کشورهای اسلامی، تهران، پزشکی قانونی، ۱۳۸۳ ش.
- ۵۸- گودرزی، فرامرز، پزشکی قانونی، تهران، انیشتین، ۱۳۷۷ ش، دو جلدی.
- ۵۹- گودرزی، فرامرز، پزشکی قانونی، تهران، انیشتین، ۱۳۷۰ ش.
- ۶۰- المؤمن، محمد، کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق.
- ۶۱- المجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث الاسلامی، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م.
- ۶۲- مجموعه من الفقهاء و الباحثین، قراء آت فقیهه معاصره فی معطیات الطب الحدیث، بیروت، الغدیر، ۱۴۲۳ ق.
- ۶۳- المحسنی، محمد آصف، الفقه و المسائل الطبیة، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲ ش.
- ۶۴- محقق داماد، سید مصطفی، حقوق خانواده، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۱.
- ۶۵- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۱.
- ۶۶- محمد کنعان، احمد، الموسوعة الطیبة الفقیة، بیروت، دار النفاس، ۱۴۰۲ ق/ ۲۰۰۰ م.
- ۶۷- مدنی تبریزی، سید یوسف، المسائل المستحدثه، قم، دفتر آیت الله مدنی، ۱۴۱۸ ق.
- ۶۸- مرکز جهانی علوم اسلامی، القواعد الفقیهية، قم، مرکز جهانی، ۱۴۲۵ ق، چ دوم.
- ۶۹- مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، مجموعه آرای فقهی قضائی در امور حقوقی، (نکاح)، قم، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۸۱ ش.
- ۷۰- مشکینی، علی، مصطلحات الفقه، قم، الهادی، ۱۳۷۷ ش.
- ۷۱- مکارم شیرازی، ناصر، استفتاءات جدید، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۹ ش.
- ۷۲- مکارم شیرازی، ناصر، رساله احکام برای بانوان، تهیه ابوالقاسم علیان نژادی، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۸۰ ش.
- ۷۳- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ ش.
- ۷۴- منتظری، حسین علی، رساله استفتاءات، قم، سایه، ۱۳۸۳.
- ۷۵- منتظری، حسین علی، احکام پزشکی، قم، سایه، ۱۳۸۱ ش.
- ۷۶- منتظری، حسین علی، دراسات فی مکاسب الحرام، قم، مکتبه منتظری، ۱۴۱۷ ق.
- ۷۷- مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، قم، دار الکتب الاسلامی، ۲۰۰۴ م/ ۱۴۲۵ ق.
- ۷۸- المقداد، جمال الدین، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۹ ش.
- ۷۹- المطهری، احمد، مستند تحریر الوسیلة (المسائل المستحدثه)، قم، خیام، ۱۴۰۳ ق.
- ۸۰- الموسوی البجنوردی، السید میرزا حسن، القواعد الفقیهية، قم مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۱ ش

۱۴۱۳ ق



- ۸۱- الموسوی، ابی القاسم علی بن الحسین (سید مرتضی عالم الهدی)، الانتصار فی انفرادات الامامیة، نجف، حیدریه، ۱۳۹۱ ق
- ۸۲- موسوی سید عبدالکریم، استفتاءات، تهران، نجات، ۱۳۷۷
- ۸۳- النجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، بی تا.
- ۸۴- نیکخو، محمد رضا، زندگی جنسی مردان، تهران، سخن، ۱۳۸۰، چ دوم.
- ۸۵- نیکخو، محمد رضا، زندگی جنسی زنان، تهران، سخن، ۱۳۸۰.
- ۸۶- آذر، ماهیار و دیگران، اختلال عملکرد جنسی و وضعیت روانی در زنان، اندیشه و رفتار، سال ۹، ش ۲، پاییز ۱۳۸۲.
- ۸۷- ابراهیم، محسن، ملاحظات جنسی در معاینات پزشکی، مجموعه مقالات اولین کنگره سراسری انطباق امور پزشکی با موازین شرعی مقدس، ج ۲، ص ۸۸-۹۰.
- ۸۸- امینی، ابراهیم، مشکلات فقهی در معاینات پزشکی و راه حل ها، مجموعه مقالات اولین کنگره انطباق امور پزشکی، ج ۱، ص ۱۴۸-۱۵۸.
- ۸۹- باریک لو، علیرضا، وضعیت تغییر جنسیت، اندیشه‌های حقوقی، سال ۱، ش ۵ (۱۳۸۲).
- ۹۰- باریک لو، علیرضا، آثار حقوقی تغییر جنسیت، فصلنامه علمی- پژوهشی مدرس، سال ۱۳۸۳.
- ۹۱- پرسش‌هایی در فقه و دانش پزشکی، فقه اهل بیت علیهم السلام، فارسی، ش ۸.
- ۹۲- حجتی کرمانی، محمد جواد، بحث فقهی درباره دو جنسی ها، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۸۸-۸۹.
- ۹۳- حسن‌زاده نظر آبادی، محمد، هرمافرودیسیم حقیقی (دو جنسی)، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۱، ص ۴۷۱-۴۷۲.
- ۹۴- خرازی، سید محسن، بحث فقهی دو جنسی ها، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۸۳-۸۴؛ ص ۸۸-۸۹.
- ۹۵- خرازی، سید محسن، تغییر جنسیت، فقه اهل بیت علیهم السلام، فارسی، سال ۶، ش ۲۳ (۱۳۷۹).
- ۹۶- خرازی، سید محسن، تغییر الجنسیة، فقه اهل بیت علیهم السلام، عربی، سال ۴، ش ۱۳ (۱۴۲۰ق).
- ۹۷- خرازی، سید محسن، تغییر الجنسیة، قراءات فقهیة معاصرة فی معطیات الطب الحدیث (مجموعه مقالات)، بیروت، الغدیر، ۱۴۲۳ق.
- ۹۸- دینانی، عبدالرسول، حقوق اخلاق پزشکی و اصلاح جنسیت، دادرسی، ش ۲۹ (۱۳۸۰).
- ۹۹- دیدگاه آیت الله مکارم شیرازی درباره تغییر جنسیت، رسالت، ۱۳۸۴/۸/۲.
- ۱۰۰- دیدگاه آیت الله مکارم شیرازی درباره تغییر جنسیت، گزیده جراید (جامعه مدرسین) ش ۳۷۴، ۱۳۸۴/۸/۴.
- ۱۰۱- سبحانی، جعفر، تطبیق امور پزشکی با شریعت مقدسه اسلام، جایگاهی بزرگ و مسؤولیتی بزرگ‌تر، مجموعه مقالات اولین کنگره انطباق امور پزشکی با موازین شرعی، ج ۱، ص ۱۴۲-۱۴۵.

- ۱۰۲- صانعی، یوسف، نظرات فقهی آیت الله صانعی در مورد مسائل دوجنسی ها، مجموعه مقالات دومین همایش دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۷۸۸-۷۸۹.
- ۱۰۳- فرید حسینی، سیدرضا، حکم اسلام درباره هم جنس گرایی و رابطه آن با بیماری ایدز، مجموعه مقالات و گفتارهای سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۱، ص ۴۶۷-۴۶۸.
- ۱۰۴- کریمی‌نیا، محمد مهدی، بررسی فقهی و حقوقی تغییر جنسیت، معرفت، ش ۳۶ (۱۳۷۹).
- ۱۰۵- کریمی‌نیا، محمد مهدی، تغییر جنسیت، اعتماد، ش ۸۲۳، یکشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۴.
- ۱۰۶- مؤمن، محمد، سخنی درباره تغییر جنسیت، فقه اهل بیت علیهم السلام، فارسی، سال ۲، ش ۷ (۱۳۷۵).
- ۱۰۷- مرعشی، سید حسن، بحث فقهی دو جنسی‌ها و خنثی، مجموعه مقالات و گفتارهای سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۸۲-۸۳؛ ص ۹۰-۹۲.
- ۱۰۸- مکارم شیرازی، ناصر، نظرات فقهی آیت الله مکارم شیرازی پیرامون مسائل مربوط به تغییر جنسیت، مجموعه مقالات و دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۷۸۶-۷۸۷.
- ۱۰۹- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، پاسخ به پرسش‌های تغییر جنسیت، مجموعه مقالات اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۷۸۲-۷۸۵.
- ۱۱۰- هادوی تهرانی، مهدی، بحث فقهی دو جنسی ها، مجموعه مقالات و گفتارهای سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۸۰-۸۲، ۸۵-۸۶، ۹۳-۹۴.
- ۱۱۱- هانت، پاملا، تاریخچه کوتاه تغییر جنسیت در انگلستان، ترجمه محمد جواد شمس علی .
- ۱۱۲- هارولد، کاپلان و سادوک بنیامین، خلاصه روان پزشکی، ترجمه نصرت الله پور افکاری، تهران، شهر آب، ۱۳۷۹ ش.
- ۱۱۳- هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه مطابق با مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۲.
- ۱۱۴- بهشتی، سید مهدی، بررسی احکام و آثار تغییر جنسیت در فقه و حقوق موضوعه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه قم، ۱۳۸۵.
- ۱۱۵- سر چشمه پور، زهرا، بررسی احکام فقهی و حقوقی تغییر جنسیت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۴.
- ۱۱۶- شایان، لیلا، بررسی فقدان والدین بر نشانگان اختلال هویت جنسی، پایان‌نامه کارشناسی، گلپایگان، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۴.
- ۱۱۷- کوچکچیان زلبوا، زینب، بررسی وضعیت و مشکلات ناراضیان جنسی، پایان‌نامه کارشناسی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳.

پایان مقاله